رقص برزیل با شیطان

جام جهانی، المپیک و مبارزه برای دموکراسی

دیو زِرِن

ترجمهٔ علی عرب‌زاده

bookroom.ir

فهرست

تحسین کتاب رقص برزیل با شیطان	۷
دربارهٔ نویسنده	۱۵
سپاسگزاری	۱۷
یادداشت مترجم	۲۱
درآمد: به دنبال مایکل جکسون در ریو	۲۵
برزیل جای تازه‌کارها نیست	۳۴
فصل اول: برزیل: کشوری برای همه	۴۳
خطر: رمیدن فیل‌های سفید	۴۸
اولویت‌ها	۵۳
موزهٔ برده‌ها	۶۶
ماراکانا و مرگ تماشاچی‌ها	۶۹
محیط زیست	۸۰
امنیت	۸۲
فصل دوم: زیر خط استوا هیچ گناهی وجود ندارد	۸۹
برده‌داری در برزیل	۹۲
خاستگاه «موزائیک»	۱۰۰
غرش استقلال	۱۰۳
برزیل، کشوری آزاد	۱۰۷
دوران وارگاس و دیکتاتوری نظامی	۱۱۷
وداع با همه: پایان دیکتاتوری	۱۳۰
فصل سوم: آه، لولا!	۱۳۹
ظهور لولا	۱۴۰
مذاکره با نئولیبرالیسم: سیاست خارجی لولا	۱۵۰
سیاست داخلی لولا: تصویر و واقعیت	۱۵۹

عصب‌کشی سیاسی ۱۶۴
انتخاب دیلما ۱۷۱
فصل چهارم: فوتبال: سفری از شجاعت به ترس ۱۷۵
فوتبال قدم به سواحل برزیل می‌گذارد ۱۷۷
گارینشا و پله ۱۹۱
پلهٔ سرد و آرام ۱۹۴
اتحاد گارینشا و پله ۲۰۳
حکمت سوکراتس ۲۰۵
زنان و فوتبال در برزیل ۲۱۱
بازی نئولیبرال ۲۱۶
فصل پنجم: قتل بابانوئل ۲۲۳
در آغاز ۲۲۹
نازیسم، المپیک و تولد ناسیونالیسم افراطی ۲۳۲
دون خوآن آنتونیو ۲۴۴
فیفا و جام جهانی ۲۴۷
فصل ششم: اسب‌های تروای نئولیبرال و دکترین شوک ورزشی ۲۵۵
یونان ۲۰۰۴(۲۷۴) ۲۵۶
پکن ۲۰۰۸(۲۸۳) ۲۵۸
ونکوور ۲۰۱۰(۲۸۹) ۲۶۲
آفریقای جنوبی ۲۰۱۰(۲۹۳) ۲۶۹
لندن ۲۰۱۲(۳۰۳) ۲۸۴
سوچی ۲۰۱۴(۳۱۳) ۲۸۸
قطر ۲۰۲۲ ۲۹۴
فصل هفتم: فاولاهای هدف ۲۹۹
تقلا برای ریو ۳۰۱
مبارزه علیه اخراج در ویلا اتودرومو ۳۱۴
بندر، پرووِیدنسیا و موریسیو هورا ۳۳۳
نتیجه‌گیری: «مدرسه‌هایی با کیفیت فیفا» ۳۵۱
مقاومت ۳۵۱
رئیس‌جمهور واقعی ۳۶۰
بی‌سروپاها ۳۶۶
یادداشت‌ها ۳۶۹

یادداشت مترجم

اگر قرار باشد کشوری میزبان مهم‌ترین مسابقهٔ فوتبال جهان بشود، چه جایی بهتر از برزیل؟ کشور فوتبالیست‌هایی که از بچگی پابرهنه و حتی بدون توپ با گلوله کردن جوراب فوتبال می‌کنند. زندگیِ برزیلی‌ها بدون فوتبال چیزی کم دارد. هم برای خودشان هم برای ما. فرقی نمی‌کند زمینی خاکی باشد، کنار ساحل یا در ورزشگاه ماراکانا، اسم فوتبال که می‌آید برزیلی‌ها همیشه حاضرند. یک مسابقهٔ محلیِ کوچک هم چندهزار تماشاچی دارد. آن‌ها پرشورترین تماشاچی‌های دنیا هستند. تیم برزیل بیشتر از هر تیمی قهرمان جام جهانی شده و بازیکنانش بیشتر از هر بازیکنی گردن این ورزش حق دارند. چه کسی می‌تواند فوتبال را بدون گاریشنا، پله و رونالدو به خاطر بیاورد؟

وقتی ۳۰ اکتبر ۲۰۰۷ فیفا با میزبانی برزیل برای جام جهانی ۲۰۱۴ موافقت کرد، نه‌فقط برزیلی‌ها که همهٔ دوستداران فوتبال خوشحال شدند. حق به حق‌دار رسید.

همه منتظر جام جهانی باشکوهی بودیم، اما چندماه قبل از شروع جام جهانی دیدیم که عاشقان فوتبال در خیابان‌ها هستند و علیه برگزارکننده‌های جام جهانی تظاهرات می‌کنند. برزیلی‌های عاشق فوتبال به برگزاری مهم‌ترین رویداد فوتبالی جهان در کشورشان معترض بودند. آن‌ها ترجیح می‌دادند بیرون

ورزشگاه‌ها با پلیس ضدشورش درگیر باشند تا اینکه روی سکوها فوتبال ببینند.

دِیو زِرن همان ایام خودش را به برزیل رساند تا جواب این سوال را بیابد. او نویسندهٔ پرکاری‌ست و در بیشتر رویدادهای مهم ورزشی چندسال اخیر حاضر بوده و دربارهٔ آن‌ها نوشته است. نوشته‌های او البته با نوشته‌های ورزشی‌نویس‌ها فرق دارد. او فقط توی ورزشگاه‌ها و دور و بر ستاره‌ها نمی‌گردد، می‌رود به کف خیابان‌های ریو و توی کوچه پس‌کوچه‌های سائوپولو، با مردم معترض گفت‌وگو می‌کند و به ما تصویری می‌دهد که نمی‌توانیم آن را از رسانه‌های جریان اصلی ببینیم؛ و همین تصویر است که کتاب او را جذاب و پرفروش می‌کند. تصویرِ مواجههٔ صاحبان اصلی فوتبال برزیل با جام جهانی در برزیل. او البته برای دقیق‌ترشدن تصویرش ما را با تاریخ، فرهنگ، سیاست و مردم برزیل هم آشنا می‌کند و از فاولاها و درگیری‌هایشان با فیفا و از رئیس‌جمهور و نسبتش با فوتبال و رویکرد پله و حتی نیمار هم می‌گوید.

کتاب را در خانه متن سین ترجمه کردم. من خیلی اهل فوتبال نبودم و آن‌جا وقتی دوست عزیزم، آیت معروفی، کتاب را به من معرفی کرد گمان نمی‌کردم این کتاب چنین درگیرم کند. از پیش‌نهاد او متشکرم. در جریان ترجمه، از کمک و راهنمایی‌های آقای حامد قدیری استفاده کردم که از او هم متشکرم. همچنین باید از آقای سعید زاهدی ممنون باشم که با ویرایشش متن کتاب را ساده و روان کرد تا خواننده هم از محتوا لذت ببرد هم از متن. و البته که انتشار این کتاب میسور نبود مگر با توجه ویژهٔ آقای سعید مکرمی، مدیر محترم نشر اسم.

در ترجمهٔ کتاب گاهی جای معنای رسمی کلمه‌ها و اصطلاحات از معادل‌های رایج‌تر بین ورزشی‌ها استفاده کرده‌ام، چون می‌دیدم استفاده از کلمه‌های رسمی اگر سوءتفاهم ایجاد

نکند کمکی هم نمی‌کند. اسامی خاص را هم با ضبط مشهور به کار برده‌ام، حتی اگر تلفظ صحیح چیز دیگری بود.

من کتاب را وقتی ترجمه می‌کردم که درگیر دورهٔ آموزشی سربازی بودم و در این مدت باری مضاعف از زندگی بر دوش همسرم بود. بیش از همه به او مدیونم و از او متشکرم که صبوری کرد تا این کتاب به سرانجام برسد.

تابستان ۱۳۹۵

خانه متن سین